

## از امتیاز کشف تریاک تا پورسانتاز خرید اسلحه

۲۱ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۵۷

یکی از ویژگی های دربار پهلوی دوم سودجویی های اقتصادی بود که از سوی خواهران، برادران و حتی مادر محمدرضا پهلوی سر می زد، به نحوی که گاه این سوء استفاده گری ها موجبات رسوایی آنان را فراهم می آورد.

رضاخان چهار همسر رسمی داشت و فرزندان متعدد او حاصل ازدواج های چهارگانه بودند چنانچه ریحانه درودی می نویسد به دنبال روی کار آمدن محمدرضا، برادران او هر یک به نوعی به کسب ثروت پرداختند، زیرا نگاه آن ها به سیاست، به منزله ی تهدید قدرت و جایگاه محمدرضا بود! محمدرضا نیز بر همین اساس، ترجیح می داد برادرانش به سوء استفاده از خزانه ی ملت سرگرم باشند تا تهدید قدرت و موقعیت او. فریدون هویدا در خاطرات خود از مفاسد مالی یکی از برادران شاه چنین یاد می کند: «والا حضرت محمود رضا اضافه بر داشتن امتیاز کشف تریاک، محصول تریاک املاک خود را در بازار سیاه می فروشد. والاحضرت غلامرضا در جنوب شهر تهران به کار آپارتمان سازی و فروش آن به مردم اشتغال دارد. والاحضرت عبدالرضا از کمپانی های ژاپنی رشوه گرفته تا برایشان در ایران تسهیلات تجارتي فراهم کند و نیز در تأسیس کارخانه ی کاغذسازی و متروی تهران حق العمل هایی دریافت داشته است».

فریده دیبا نیز طی خاطرات خود به سوءاستفاده های یکی دیگر از برادران شاه پرداخته است: «غلامرضا بازرسی کل ارتش شاهنشاهی بود و این اواخر درجه ی سرلشکری داشت. این بازرسی کل ارتش، روزی چند ساعت از وقت خود را صرف بازرسی از دوایر ارتش می کرد و آن طور که دوست مرحومم [ارتشبد حسین فردوست] تعریف می کرد: فقط به بازدید از دوایر مالی ارتش می رفت و به هر ترتیبی بود سهم خود را از اختلاس و سوءاستفاده های مالی رایج در ارتش و خریدهای مربوط به ارتش به دست می آورد. مثلاً ارتش، همه ساله مقادیر عظیمی برنج، روغن، بنشن و مواد غذایی و نیز البسه برای صدها هزار ارتشی و نیروی وظیفه خریداری می کرد. غلامرضا ترتیبی می داد تا این خریدها از تجاری صورت پذیرد که به غلامرضا پورسانت و حق و حساب های کلان می دادند و به سایر امور ارتش توجهی نداشت. این اواخر فرزندش را هم دستیار خود کرده و در لفت لیس های کلان او را نیز شریک می کرد».

همچنین مسعود انصاری درباره ی کوچک ترین خواهر شاه در خاطراتش می نویسد: «فاطمه علاوه بر دارایی خودش، ثروت زیادی از شوهرش ارتشبد خاتم به ارث برده بود تنها یک قلم از پول های نقد او را که در بانک های اروپایی بود، به دویست میلیون پوند انگلیسی برآورد می کردند. این همه را از راه دریافت پورسانتاز خرید اسلحه برای نیروی هوایی به دست آورده بود».

تاج الملوک پهلوی نیز به رغم آن که زنی بی سواد و عامی بود، اما به واسطه ی سلطنت شوهر و پسرش توانست به ثروتی کم نظیر دست یابد، چنانچه: «ملکه ی مادر هم که حدود یک سالی قبل از انقلاب، به لندن آمده بود، بیش تر جواهرات خود را در همان زمان همراه آورده بود. پس از مدتی، شمس پهلوی پیش ملکه ی مادر رفت و از نداری گلایه کرد، ملکه ی مادر هم مقداری جواهر به شمس داد، ارزش این جواهرات به ۱۰ میلیون دلار می رسید».

اما در این بین فریده دیبا در خاطرات خود رفتارهای اقتصادی خانواده شاه را چنین خلاصه کرده است: «شاهپور غلامرضا به عنوان برادر شاه به ساختمان سازی مشغول بود و یا از خارج تلویزیون وارد می کرد. ما می دانستیم که شمس در امور بازرگانی و تجارت با حبیب ثابت و حبیب ایلقانیان دو سرمایه دار عمده ی یهودی، مشارکت دارد. هم چنین از فعالیت های وسیع اقتصادی اشرف و فرزندش شهرام که طیف وسیعی از کارخانه داری تا کشت و زرع و کاباره داری و خانه سازی را در برمی گرفت مطلع بودیم. مسلماً محمدرضا بیش تر از ما در جریان ریز این فعالیت ها قرار داشت، اما دلیلی برای ممانعت از آن ها نمی دید. محمدرضا می گفت: رونق اقتصادی ایران سبب گردیده تا عامه ی مردم به امور پولساز و پردرآمد روی بیاورند، چرا باید برادران و خواهران من از این وضعیت جدید اقتصادی بهره مند نشوند؟! محمدرضا متوجه نبود که بسیاری از کارخانه دارها و سرمایه سالاران فقط به این دلیل سهامی را به برادران و خواهران او هدیه می کنند و یا پای آن ها را به مشارکت در فعالیت های اقتصادی خود می کشانند که آن ها برادران و خواهران شاه و دارای نام فامیل پهلوی هستند. حضور غلامرضا، محمودرضا، عبدالرضا و یا احمدرضا پهلوی در هیأت مدیره ی یک شرکت، کافی بود که درهای بسته به روی آن شرکت یا بانک یا مؤسسه ی اقتصادی باز شود، یا کدام بانک دولتی جرأت داشت به شرکتی که والا حضرت اشرف در آن سهام دارد یا درصدی از آن متعلق به والا حضرت شمس پهلوی است وام های کلان ندهد؟!»

منابع:

- ۱- دیبا، فریده، دخترم فرح، ترجمه الهه رئیس فیروز، تهران: به آفرین.
- ۲- زاهدی، اردشیر، ۲۵ سال در کنار پادشاه، تهران: عطایی، ۱۳۸۱.
- ۳- هویدا، فریدون، سقوط شاه، ترجمه مهرا، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۵.
- ۴- مسعود انصاری، احمدعلی، پس از سقوط، تهران: پژوهش های سیاسی، ۱۳۷۱.
- \* درودی، ریحانه، دربار به روایت دربار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی: ۱۳۹۰.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/29552/اسلحه-خرید-پورسانتاژ-ترباک-کشف-امتیاز>